یادداشت

احتکار در ترازوی شریعت از طمع تا مسئولیت اجتماعی

محمدجواد علیپور| این روزها گاهی در بازار و هنگام خرید برخی اقلام می‌بینیم و می‌شنویم که روغن یا شکر یا برخی دیگر از اقلام موردنیاز و ضروری مردم کمیاب می‌شود و ناچار به قیمت بیشتری مجبور به تهیه آن می‌شویم. این ماجرا داستان جدیدی نیست، بلکه در هر دوره به‌دلیل التهابات و ایجاد شرایط خاص مانند جنگ، عده‌ای به‌گمان اندوختن مال بیشتر به این گناه بزرگ مبتلا می‌شوند. در آموزه‌های اسلامی، احتکار (انبارکردن کالای ضروری به انتظار گرانی) نه‌تنها یک جرم اقتصادی، بلکه گناهی بزرگ علیه جامعه و نقض کرامت انسانی است. قرآن کریم در آیات صریحی به محکومیت این عمل اشاره می‌کند: **وَيْلٌ لِكُلِّ هُمَزَةٍ لُمَزَةٍ الَّذِي جَمَعَ مَالًا وَعَدَّدَهُ**؛ وای بر هر نکوهشگر عیب‌جوی! آن‌که مالی را گرد می‌آورد و می‌شمارد(**سوره همزه، آیات۱ و ۲**). «**وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ**»(**بقره: ۱۸۸**). درظاهر این‌گونه است که ثروت این فرد زیاد می‌شود اما باید به این مطلب مهم توجه کرد که هر پول و سرمایه‌ای که وارد زندگی فرد می‌شود، اثرات مثبت و منفی به‌دنبال دارد.

نگاه روایی؛ لعن و طرد اجتماعی

پیامبر اکرم(ص) با صراحت، محتکر را از رحمت الهی دور می‌دانند: «**اَلْمُحْتَكِرُ مَلْعُونٌ**»: محتکر ملعون است.(**وسائل الشیعه، ج ۱۲**).

امام صادق(ع) نیز به پیامدهای ویرانگر احتکار اشاره می‌کنند: «**مَنِ احْتَكَرَ طَعَاماً أَرْبَعِينَ يَوْماً، فَقَدْ بَرِئَ مِنَ اللَّهِ... وَبَرِئَ اللَّهُ... مِنْهُ**»: هرکه غذا را چهل روز احتکار کند، از خدا بیزار شده است و خدا[نیز] از او بیزار است.(**الکافی، ج۵**).

چرا احتکار، حرام است؟

نقض حقوق عمومی: احتکار کالاهای اساسی (گندم، روغن و دارو) حق دسترسی مردم به نیازهای حیاتی را سلب می‌کند.

اخلال در نظام اقتصادی: ایجاد کمبود مصنوعی و تورم افسارگسیخته، توازن بازار را ویران می‌سازد.

ظلم به مستضعفان: فقرا نخستین قربانیان گرانی‌های ساختگی هستند. امام علی(ع) در نامه ۵۳ نهج‌البلاغه هشدار می‌دهند: «**مَنْ دَخَلَ فِي الْأَسْعَارِ مُسْلِمًا فَهُوَ ظَالِمٌ**»: هرکه در قیمت‌گذاری بر مسلمانان ظلم کند، ستمکار است.

تمایز کلیدی: پس‌انداز عاقلانه یا احتکار ویرانگر؟

فقها با استناد به روایات، احتکار را مختص کالاهای ضروری عمومی می‌دانند(**جواهرالکلام، ج ۲۲**). انبارکردن کالای غیرضروری یا ذخیره شخصی معقول، مشمول این حکم نیست. شرط تحقق احتکار، قصد اخلال در بازار و انتظارگرانی است.

مسئولیت حکومت اسلامی

بر اساس نظریه «ولایت فقیه»، حاکم اسلامی موظف است با محتکران برخورد کند:

اجبار به عرضه کالا: شیخ طوسی در المبسوط تصریح می‌کند: «**إذا احتكر الناس الطعام يجب على الإمام أن يُجبرهم على بيعه**»: اگر مردم غذا را احتکار کنند، امام باید آنان را به فروش وادارکند.

تعزیر محتکر: طبق رأی امام خمینی(ره) در تحریرالوسیله، محتکر علاوه بر ضمانت مالی، مستحق تعزیر شرعی است.

پرسش از وجدان مؤمن

در روزگاری که به‌دلیل جنگ در کشورمان و سایر کشورهای اسلامی مانند فلسطین، کودکان از گرسنگی می‌میرند و بیماران غزه در نبود دارو جان می‌بازند، احتکار دارو و غذا، تنها نقض حکم فقهی نیست، بلکه خنجری بر پیکر انسانیت است.

تجارت مقدس یا ربای پنهان؟

احتکار درحقیقت ربای استهلاکی است؛ سودی که از گرسنگی مردم می‌روید. امام باقر(ع) در این باره هشدار می‌دهند: «**مَنِ احْتَكَرَ حُكْرَةً يُرِيدُ أَنْ يُغْلِيَ بِهَا عَلَى الْمُسْلِمِينَ فَهُوَ خَاطِئٌ**»: هرکه با قصد گران کردن کالا بر مسلمانان احتکار کند، گناهکار است.(**تهذیب‌الاحکام، ج ۷**). درنهایت، اسلام با محکوم کردن احتکار، تجارتی مبتنی بر رحمت و عدالت را ترویج می‌کند؛ بازاری که در آن، سودآوری در سایه مسئولیت‌پذیری اجتماعی معنا می‌یابد. این است اقتصاد رهایی‌بخشی که کرامت انسان را بر سودجویی فردی ترجیح می‌دهد.

معرفی کتاب

احتکار؛ شلیک به امنیت جامعه

علیپور| در کتاب «احتکار و گرانی»، اثر احمد ربانی‌نژاد که در سال ۱۴۰۲-۱۴۰۳ انتشارات میراث ماندگار آن را منتشر کرده است، محتوایی جامع و پژوهش‌محور درباره مفهوم احتکار از منظر اسلامی و پیامدهای اقتصادی اجتماعی آن ارائه شده است.

تعریف احتکار و مبانی فقهی

کتاب «احتکار و گرانی»، اثر احمد ربانی‌نژاد، با رویکردی عمیق و چندجانبه به یکی از معضلات دیرینه اقتصادی و اجتماعی، یعنی احتکار و پیامدهای آن، می‌پردازد. این اثر، احتکار را نه‌تنها یک پدیده اقتصادی، بلکه یک معضل اخلاقی و شرعی معرفی می‌کند که تأثیرات مخربی بر زندگی مردم و عدالت اجتماعی می‌گذارد. نویسنده با استناد به آیات قرآن کریم، روایات اسلامی و احکام فقهی، برای تبیین جایگاه احتکار در دیدگاه اسلام تلاش می‌کند.

تعریف و ماهیت احتکار: توضیح داده می‌شود که احتکار چیست، چه کالاهایی شامل احتکار می‌شوند(معمولا کالاهای ضروری و موردنیاز عامه مردم) و چه کسانی درگیر این عمل هستند.

پیامدهای احتکار: به‌تفصیل به آسیب‌های اقتصادی و اجتماعی احتکار پرداخته می‌شود؛ ازجمله افزایش قیمت‌ها، فشار بر قشر کم‌درآمد، ایجاد نارضایتی عمومی و برهم زدن تعادل بازار.

احتکار از دیدگاه اسلام: این بخش، قلب تپنده کتاب است. نویسنده با بهره‌گیری از منابع دینی، به‌شدت با پدیده احتکار مخالفت می‌کند. از روایات و احادیث استفاده می‌شود که محتکران را با عباراتی چون «مفسد فی‌الارض» توصیف می‌کنند و آن‌ها را در جایگاهی هم‌تراز با قاتلان در روز قیامت قرار می‌دهند. این تأکید، نشان‌دهنده قبح و زشتی این عمل در آموزه‌های اسلامی است.

وظیفه جامعه و حکومت در قبال احتکار: کتاب به این نکته مهم اشاره دارد که مقابله با احتکار، تنها وظیفه افراد نیست، بلکه وظیفه اصلی حاکمیت و نهادهای مربوط است. احتمالا راهکارهایی برای کنترل بازار، نظارت بر عرضه و تقاضا و برخورد با محتکران ارائه می‌شود.

جنبه‌های اخلاقی و انسانی: علاوه بر ابعاد شرعی، کتاب به جنبه‌های اخلاقی احتکار نیز می‌پردازد. احتکار، عملی غیرانسانی تلقی می‌شود که نشان‌دهنده بی‌توجهی به رنج و نیازهای دیگران است و با اصول همدردی و نوع‌دوستی مغایرت دارد.

درمجموع، کتاب «احتکار و گرانی»، اثری است که با هدف آگاهی‌بخشی و تبیین ابعاد مختلف پدیده احتکار از منظر اسلامی و اخلاقی، نگاشته شده است و برای ترغیب جامعه و مسئولان به مبارزه با این پدیده شوم تلاش می‌کند. این کتاب می‌تواند برای دانشجویان، پژوهشگران و عموم مردم که به‌دنبال درک عمیق‌تر از ریشه‌ها و پیامدهای احتکار هستند، مفید باشد.

نگاهی به تحولات تاریخی فلسفه ملاصدرا و تأثیر آن بر شکل‌گیری بزرگ‌ترین انقلاب قرن چهاردهم

تبلور حکمت متعالیه در انقلاب اسلامی

گزارش

امید حسینی‌نژاد
روزنامه‌نگار

تصویری از خانه ملاصدرا در روستای کهک قم

جریان عقل‌گرایی در تمدن اسلامی در طول قرن‌ها، تطورات گسترده‌ای را پشت سر گذاشته است. پس از ظهور نهضت ترجمه و ورود تفکرات فلسفی یونان به مرزهای اسلامی، اندیشمندان مسلمان با تکیه بر این نظرات، نظام‌های فلسفی را بنیان نهادند. میراث فلسفی یونان پس از انتقال به عالم اسلام، هم از لحاظ کمی و هم از نظر کیفی، تغییر و تحول گسترده‌ای یافت. اندیشمندان مسلمان با دریافت این میراث علمی به بسط و گسترش آن پرداختند و طی چند قرن، حوزه فرهنگ اسلامی به بستری برای ظهور و بروز چند مکتب فلسفی استوار، مبدل شد. حکمت مشاء، حکمت اشراق و حکمت متعالیه، سه پارادایم مستقل فلسفی با تعین معرفتی نظام‌مند هستند که با همت و تلاش دانشمندان مسلمان به منصه ظهور رسیدند. بحث، چالش و نزاع علمی میان طرفداران و وفاداران هریک از این نظام‌های فلسفی، رونق چشمگیری به مباحث علمی بخشید و موجب تولید فزاینده فکر و اندیشه در جهان اسلام شد.

فارابی؛ فیلسوف مؤسس

فارابی در شرق، بزرگ پرچمدار فلسفه اسلامی بوده است. او با نوآوری‌هایی توانست درخت فلسفه اسلامی را تنومند کند. در مورد فارابی و اندیشه‌های او، بزرگانی در طول تاریخ سخن گفته‌اند؛ در ادوار مختلف، فارابی شناسان بزرگی در حوزه‌های اسلامی و غیراسلامی، در ایران و سایر کشورها با نگاهی متفاوت صحبت کردند. ویژگی‌ای که در فارابی نهفته است، قدرت زیادوی در تبیین مسائل پیچیده‌ای است که کمتر نظیر آن را می‌توانیم در تاریخ فلسفه اسلامی پیدا کنیم و شاید در ادوار اخیر (چهار یا پنج قرن اخیر) ملاصدرا شبیه‌ترین فرد به فارابی در رمزگشایی از این مسائل پیچیده باشد. در احوالات ابن‌سینا می‌خوانیم وقتی که کتاب ما بعدالطبیعه ارسطو را مطالعه کرد و با مشکلاتی مواجه شد، هنگامی که شرح فارابی را یافت و در آن مداقه کرد، تمام نقاط مبهمی که در فهم بیان ارسطو داشت، برطرف شد. در فلسفه اسلامی درکنار توصیفات اسامی و القاب مختلفی که برای فارابی به‌کار برده می‌شود، از او به معلم ثانی تعبیر می‌کنند. این، نشان‌دهنده جایگاه رفیع فارابی در تاریخ اندیشه به‌ویژه در جهان اسلام است که درنتیجه، او را مؤسس فلسفه اسلامی می‌دانند.

بزرگان ما در توصیفات دیگری از فارابی، از او به‌عنوان فیلسوف فرهنگ یاد می‌کنند؛ زیرا او نگاهی عمیق به تبیین مسائل هستی دارد و به همین نسبت وارد حوزه‌های فرهنگی و هنری نیز شده است. درحقیقت در کتاب الحروف یا تحصیل السعاده، برجستگی نگاه فرهنگی فارابی، مشاهده‌شدنی است.

فارابی در قرن سوم در طلیعه شکل‌گیری دوره طلایی تمدن اسلامی قرار دارد و اگر بخواهیم معماری را برای این تمدن پرشکوه اسلامی در قرن سوم تا قرن پنجم، به‌عنوان شخصیتی پیشتاز معرفی کنیم، بی‌شک آن شخصیت، فارابی است. او با زبان بلیغی که در حکمت، فلسفه، فرهنگ و هنر و در تبیین اندیشه‌های سیاسی داشت، به قله‌ای باشکوه در تمدن اسلامی تبدیل شده است.

توسعه فلسفه اسلامی با نبوغ ابن‌سینا

پس از او ابن‌سینا با نبوغ فلسفی خود، توانست عرصه‌های تفکر فلسفی را توسعه دهد. شارحان ابن‌سینا پس از او این مسیر را ادامه دادند. نظام فلسفی ابن‌سینا، به‌طورکلی و به‌ویژه از لحاظ برخی اصول آن، ژرف‌ترین و ماندنی‌ترین تأثیر را بر تفکر فلسفی اسلامی پس از وی و نیز بر فلسفه اروپایی سده‌های میانه گذاشته است. این نظام فلسفی، آمیزه‌ای است از مهم‌ترین عناصر بنیادی فلسفه مشایی ارسطویی و برخی عناصر مشخص جهان‌بینی نوافلاطونی در پیوند با جهان‌بینی دینی اسلامی، با این حال ابن‌سینا، پیش از هر چیز پیرو ارسطوست و درباره وی می‌گوید: «امام حکیمان و دستور و آموزگار فیلسوفان ارسطاطالیس». اما این پیروی از ارسطو، تعصب‌آمیز و کورکورانه نیست. ابن‌سینا در پیروی از خطوط اساسی اندیشه‌های بنیادی ارسطو، گاه به‌گاه و اینجا و آنجا در ساختار تفکر مشایی، نوآوری می‌کند، نکات مبهم تفکر ارسطو را روشن می‌سازد، به‌ویژه به تفصیل می‌پردازد و گاه بر آن می‌افزاید و سرانجام می‌کوشد که به یاری عناصری از اندیشه‌های افلوطینی و نوافلاطونی، نظام فلسفی نوینی بنیاد نهد، اما رویدادهای زندگانی به‌ویژه مرگ زودرسش، کوشش‌های او را ناتمام و نافرجام گذاشت.

خواجه‌نصیر و فلسفی کردن کلام اسلامی

بزرگ‌ترین دستاورد خواجه‌نصیر، به کلام و فلسفی کردن آن مربوط می‌شود. خواجه با تکیه بر توانایی فوق‌العاده‌اش در منطق و فلسفه، بر آن شد تا اعتقادات و باورهای دینی را به روش برهانی اثبات کند و به شبهه‌ها و اعتراض‌ها پاسخ دهد. امتیاز خواجه‌نصیر بر فیلسوفان پیش از او، در همین نکته نهفته است؛ اولا او یک فیلسوف تمام‌عیار است و در احیای تفکر فلسفی در عصر خود، سنگ تمام گذاشته است و ثانیا از دستاوردها و روش فلسفی در عرصه کلام بهره برده است و لازم است به تفاوت حیثیت‌های فلسفی و کلامی با یکدیگر توجه شود.

ملاصدرا و همگرایی فلسفه و عرفان

ظهور حکومت صفویه در ایران، تغییراتی اساسی در جریان‌های اندیشه در این منطقه ایجاد کرد. حکومت صفویه با اعلام رسمی تشیع به‌عنوان مذهب رسمی ایران، قدرتی فزاینده به علمای شیعه بخشید و آن‌ها توانستند در زیر سایه این حکومت به توسعه اندیشه‌های ناب شیعی بپردازند. اصفهان به‌عنوان مرکز حکومت صفویان، محل رفت‌وآمد اندیشمندان بزرگی چون میرداماد و شیخ‌بهایی بود. این دو در این شهر محافل علمی گوناگونی را تشکیل دادند.

یکی از شاگردان این دو عالم بزرگ، صدرالدین محمدبن ابراهیم شیرازی بود. وی تحصیلات مقدماتی را درکنار پدرش که از اشراف بود، به پایان رساند و پس از فوت پدر به اصفهان رفت. اصفهان در آن دوران، پایتخت صفویان بود و از نظر علوم نقلی و عقلی رونق داشت. وی علوم عقلی را نزد سیدمحمدباقر میرداماد و علوم نقلی را نزد شیخ بهاءالدین عاملی فراگرفت و از این دو اجازه دریافت کرد. هنگامی که وی به اصفهان می‌رفت، دارای مقام علمی و عملی ممتازی بود؛ زیرا در ابتدای ورود به حوزه اصفهان در درس شیخ بهاءالدین عاملی شرکت کرد.

زندگی علمی ملاصدرا را می‌توان در سه مرحله خلاصه کرد: مرحله اول، دوره شاگردی اوست. در این دوره به بحث و بررسی نظریه‌های متکلمان و فلسفه می‌پردازد. او در مقدمه اسفار از اینکه بخشی از عمرش را در پیگیری آرای فیلسوف‌نمایان و اهل جدل از متکلمان تضییع کرده است، استغفار کرده است.

مرحله دوم، گوشه‌نشینی و دوری از مردم و روی آوردن به عبادت در بعضی کوه‌های دوردست واقع در کهک از روستاهای قم است. این انزوا پانزده سال به طول انجامید. او در مقدمه اسفار، داستان این دوره را بیان می‌کند: چون ازسوی مردم در تنگنا بود و از اهل دانش و معرفت کسی را نمی‌یافت و نظریه‌های اشتباه، بسیار رواج داشت، از مردم دوری گزید و به کوهستان پناه برد و به عبادت خداوند مشغول گردید. نه دیگر درسی القا می‌کرد و نه به تألیفی می‌پرداخت. در این زمان دراز جز عبادت و مجاهده و ریاضت، اشتغالی نداشت.

مرحله سوم، دوره نگارش کتاب‌هاست؛ چنان‌که خود صدرا می‌گوید: «اکنون زمان نوشتن کتاب است و این خواست خداوند است که به این زمان، موکول گردیده است.» «اسفار» نخستین کتابی است که پس از انزوای طولانی می‌نویسد و چنین برمی‌آید که آن را در همان محل گوشه‌نشینی خود نوشته است. پیش از اسفار، رساله‌های اندکی نوشته است و پس از اسفار هر کتابی که نوشته، از عبارات آن گرفته شده است و می‌توان اسفار را اساس کتاب‌های دیگر صدرا دانست.

ملاصدرا توانست مبانی فلسفی خود را در کتاب «اسفار» تبیین کند و شاگردان او نیز این مسیر دشوار را ادامه دادند. مبانی حکمت صدرایی موافقان و مخالفانی در همان دوره داشت. اما او و شاگردانش توانستند مبانی خود را درمیان شیفتگان علم جا بیندازند. سال‌ها پس از فوت ملاصدرا، این مبانی در حوزه‌های علمی ایران تدریس می‌شد و تأثیر بسزایی بر شکل‌گیری جریان‌های نوین فلسفی گذاشت.

انقلاب اسلامی و حکمت متعالیه

در دوره معاصر، حکمت متعالیه نمایندگان مختلفی داشته است. امام خمینی(ره) یکی از کسانی است که با فراگیری مبانی صدرایی به تدریس مبانی این فیلسوف بزرگ پرداخت. رهبر معظم انقلاب می‌فرمایند: «ما ایرانیان بیش از همه به این فلسفه الهی وامدار و بیش از همه در برابر آن مکلفیم. دوران ما با دمیدن خورشیدی چون امام خمینی که یگانه دین و فلسفه و سیاست و خود یکی از صاحب‌نظران برجسته در حکمت متعالیه بود، و نیز با حوزه درسی و تحقیقی پربرکت حکیم علامه طباطبایی که استاد یگانه مبانی ملاصدرا در طول سی سال در حوزه قم به شمار می‌رفت، و تلاش تلامذه و هم‌دوره‌های آنان، بی‌شک دوره بابرکتی برای فلسفه الهی است.»

برخی بر این باورند که حکمت متعالیه تأثیر بسزایی بر اندیشه امام خمینی(ره) در پیروزی انقلاب و هدایت مردم گذاشته است. امام خمینی(ره) در مصاحبه‌ای با محمد حسنینْ هیکل، نویسنده و روزنامه‌نگار معروف مصری، در نوفل لوشاتو، در پاسخ به این سؤال که چه شخصیت‌هایی غیر از رسول اکرم(ص) و امام علی(ع) و کدام کتاب‌ها به جز قرآن، شما را تحت تأثیر قرار داده‌اند، بیان کردند: «شاید بتوان گفت در فلسفه: ملاصدرا، از کتب اخبار: کافی، از فقه: جواهری».

این فرمایش حضرت امام ضمن آنکه منابع تفکر ایشان را نشان می‌دهد، بیانگر این مطلب است که انقلاب شکوهمند اسلامی ایران، برآمده از قرآن و حدیث و نیز حکمت و فقهی است که برآمده از آن دو باشد، پس به‌درستی نیز آیت‌ا... سیدحسن سعادت مصطفوی معتقد است که اگر امام خمینی(ره) فیلسوف نبود و تنها در فقه توقف می‌کرد، به این نتیجه نمی‌رسید که باید قیام و انقلابی صورت گیرد.

تأثیرپذیری امام خمینی از فقه و تبیین مسئله ولایت فقیه در کتاب البیع، انکارناپذیر است، اما نکته‌ای که نباید از آن غفلت کرد، این است که فقه حکیمِ حکمت متعالیه هم متفاوت از فقه فقیهی است که با این حکمت بیگانه است. آیت‌ا... جوادی آملی بر این باور است که: «کسانی که از حکمت متعالیه بهره‌ای داشتند، وقتی اصول را ارزیابی کردند، فقه زنده‌ای ارائه دادند.»

پس اصل تأثیرگذاری تفکر صدرایی بر شکل‌گیری شاکله فکری امام، مسلم است. شاید بتوان حداقل تأثیر حکمت متعالیه را در تفقه امام دانست؛ عماد افروغ در این باره می‌گوید: «انقلاب اسلامی هم پشتوانه فلسفی دارد و هم پشتوانه فقهی، اما آن چیزی که باید به آن توجه کرد، این است که اتفاقا پشتوانه فقهی انقلاب اسلامی نیز فلسفی است. درحقیقت بحث در این است که این پشتوانه فقهی نیز که از آن سخن گفته می‌شود، ریشه در یک نگرش فلسفی خاص دارد.»

وقتی می‌گوییم امام در فقاهت هم متأثر از صدرا بود، یعنی رنگ و بوی فقه امام با فقه سایر مراجع متفاوت بود. درک امام از ولایت فقیه و نگاه او به اجرا شدن فقه و احکام اسلامی در جامعه و جامعیت امام، نسبت به فلسفه و فقه و عرفان آن هم به سبک ابن‌عربی، دلالت بر این اثرپذیری دارد و شاید بعید نباشد بگوییم اگر امام این تأثر را از فلسفه ملاصدرا و عرفان ابن‌عربی نمی‌گرفت، نمی‌توانست چنین فقه پویا و فعالی داشته باشد و درنتیجه ایران در سال ۱۳۵۷ انقلابی را تجربه نمی‌کرد.

مجموعه‌ای به خط صدرالمتألهین شیرازی

ملاصدرا در طول زندگانی خود آثاری ارزشمند به رشته تحریر درآورد. نسخه‌های متعددی به خط مرحوم ملاصدرا شیرازی به‌جای مانده است؛ چه آن‌هایی که تألیفات اوست و چه کتاب‌ها و منتخباتی که وی از نوشته‌های بزرگان استنساخ کرده است، اما نسخه حاضر از چند نظر دارای اهمیت ویژه و منحصربه‌فرد است. مطالب این نسخه در دو بخش تنظیم شده است: ۱. اشاره‌ها و نکته‌های قرآنی، همراه با تفسیر آیه نور. ۲. منتخب دو تفسیر بحرالحقایق و المعانی فی تفسیرالسبع‌المثانی از نجم‌الدین دایه (متوفای ۶۵۴) و التأویلات از عبدالرزاق کاشی (متوفای ۷۳۶).

این نسخه قبل از سال ۱۰۳۰ هجری قمری و بعد از دو کتاب المبدأ و المعاد و تفسیر آیه‌الکرسی -که مرحوم ملاصدرا از آن‌ها یادکرده- کتابت شده است. تفسیر آیه‌النور در این نسخه، مسوده اول کتاب و فاقد خطبه و چند سطر پایانی است، اما نسخه پاک‌نویس (/مبیضه) تفسیر آیه‌النور به خط مرحوم ملاصدرا، در کتابخانه آیت‌ا... العظمی نجفی مرعشی - به شماره ۷۷۱۶ - نگهداری می‌شود که در انجام آن آمده است: «کتبه مؤلفه بیده لجانیه محمدبن ابراهیم المعروف بالصدرالشیرازی حامداً مسلماً مستغفراً فی شهر ربیع الثانی لسنه ألف و ثلثین».

با توجه به اینکه نسخه کتابخانه نجفی مرعشی، شامل تفسیر سوره‌های الطارق و الجمعه نیز است و آن دو نیز به خط مرحوم ملاصدراست و تاریخ رجب ۱۰۳۰ را دارد، خیلی بعید به نظر می‌آید که سال ۱۰۳۰ تاریخ تألیف این سه تفسیر باشد، بلکه باید تاریخ پاک‌نویس و کتابت باشد.

اشاره‌ها و نکته‌های قرآنی آمده در نسخه حاضر، یادداشت‌های اولیه برای تألیف و تصنیف کتاب یا کتاب‌های مرحوم ملاصدرا بوده است؛ همان‌گونه که بخشی از آن‌ها - با ویرایش و تغییراتی - در کتاب مفاتیح‌الغیب و تفسیرالقرآن‌الکریم استفاده شده است.